

توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال بیست و پنجم
تیر ۱۴۰۳ شماره ۲۹۲

طبقه کارگر ایران سرنوشت انقلاب آینده را رقم خواهد زد

در کلیه جوامع بشری از دیرباز دگرگونی‌ها و انقلابات در اثر وجود تضاد طبقاتی میان حاکم و محکوم و مبارزه میان طبقات جهت حل تضاد عمده مورد نظر بوده است.

در این نگارش مختصر نیازی به بررسی جوامع ماقبل سرمایه داری نیست، بلکه هدف بررسی شرایط جامعه سرمایه داری و به طور مشخص جامعه ایران است که ما آن را «جمهوری سرمایه داری اسلامی» با تمام عیوب، نواقص و عملکردهای نامتعارف و معیوبش، ارزیابی می‌کنیم.

در جامعه ایران همانند بسیاری از جوامع سرمایه داری تضاد اساسی میان کار و سرمایه است. به دیگر سخن تضاد بین کارگران صنعتی و کشاورزی با سرمایه داران، که در ایران به علت دیوانسالاری، فامیلی، خودی‌ها به خصوص قدرتیابی سپاه در همه زمینه‌ها از جمله سلطه بر بخش عظیم مراکز تولید صنعتی، انرژی، ساختمانی و ... از یک سو و لانه اتاق بازرگانی و صاحبان بانک‌ها از سوی دیگر می‌باشد.

ما در اینجا به بررسی شیوه‌ها و عملکرد رانت خواران، سفته‌بازان، ارزیازان و به یک کلام دزدان و غارتگران که بر سیستم سرمایه داری ایران حکومت می‌رانند و متد منفور نئولیبرالیسم دیکته شده از سوی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول را نیز به شدیدترین وجه اعمال و در نتیجه دره بین فقر و ثروت را پیوسته عمیق‌تر و تضاد بین کار و سرمایه را تشدید می‌کنند، نمی‌پردازیم. اما غرض از اشاره به این مهم از یکسو نشان دادن تضاد اصلی و اساسی جامعه و از سوی دیگر پایداری و تعیین کننده بودن طبقه کارگر و سایر زحمتکشان در مبارزه علیه نظام حاکم بر ایران ... ادامه در صفحه ۲

حکم جلب نتایهاو و وزیر جنگش لازم الاجراست

کریم خان دادستان ارشد دیوان کیفری بین‌المللی روز دوشنبه بیستم مه ۲۰۲۴ از دیوان دادگاه بین‌المللی لاهه خواست تا حکم جلب «بنیامین نتایهاو»، نخست‌وزیر اسرائیل و «یوآو گالانت» وزیر جنگ این کشور را صادر کند. در صورت تأیید این حکم از جانب دادگاه بین‌المللی لاهه، نتایهاو و گالانت زین پس نخواهند توانست به هیچ یک از ۱۲۳ کشوری که توافقنامه مذکور را امضا کرده‌اند سفر کنند. آن‌ها دیگر به کشورهای آلمان، هلند، یونان، فرانسه، ژاپن، اسپانیا و حتی دولت خودگردان فلسطین حق سفر نخواهند داشت. از سال ۲۰۰۲ که «اساسنامه رم» برای صلاحیت دادگاه لاهه لازم الاجرا شد، این دادگاه صلاحیت دارد طبق آن اساسنامه افرادی را که متهم به نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت هستند به محاکمه کشد. اکنون نتایهاو، کریم خان، دادستان دیوان کیفری بین‌المللی را محکوم می‌کند، زیرا او «سران تروریست حماس را» با او هم‌سطح قرار داده است (۱) و به همین دلیل حکم دادستان مذکور مبنی بر جلب خود را یک «حکم ظالمانه و یک ننگ تاریخی» می‌داند و آن را یک «رسوایی با ابعاد تاریخی» قلمداد می‌کند. این ملغمه آشکار نه تنها بسیاری از طرفداران بین‌المللی وی را نمی‌فریبید، بلکه مورد تمسخر افکار عمومی جهان نیز قرار خواهد گرفت و جهان به ریش او خواهند خندید. او که خود از تجاوزگران، آدمکشان، زورگویان و دزدان بنام نظام صهیونیستی حاکم بر سرزمین‌های اشغالی فلسطین به شمار می‌آید، به عبث می‌کوشد خود را مظلوم و دیوان داوری بین‌المللی را ظالم جلوه دهد. در ... ادامه در صفحه ۳

مفهوم لیبرالیسم و نولیرالیسم و اثرات آن از یک منظر تاریخی

یکم اینکه لیبرالیسم در کنار دفاع از آزادی فردی، فارغ بودن از حاکمیت دین، عدم مداخله دولت در حیات اقتصادی، در عین حال خواستار مقاومت در برابر هر نوع انحصار در تولید و توزیع، حفظ آزادی اقتصادی، دفاع از مالکیت خصوصی، ترویج بازار آزاد و انباشت سرمایه نیز بوده است. نمیتوان کتمان کرد که بسیاری از این اهداف که در مبارزه با استبداد، بویژه از نوع کلیسایی اش شکل گرفته بودند در زمان خودش مثبت و محقانه بودند. ممکن نیست در این مختصر به جزئیات چگونگی به تحقیق پیوستن و تکامل خواسته‌های مذکور اشاره کرد ولی اشاره کوتاه به دو مورد را ضروری میدانم. نخست اینکه علیرغم مخالفت لیبرالها با تشکیل انحصار در تولید و توزیع، نه تنها انحصارات به تدریج بوجود آمدند، بلکه با بلعیدن (فوزیون) رقبای کوچک و بزرگ، نه تنها عرصه را بر رقبا تنگ کردند، بلکه با «لاغر» کردن پرسنل شرکتهای بی‌رقیب خود، بر خیل بیکاران افزودند و جهت کسب هرچه بیشتر سود، سطح دستمزدها را هم تنزل دادند و ...

دوم اینکه انباشت سرمایه که یکی دیگر از اهداف لیبرالیسم بود بلای جان کشورهای دیگر شد. در اثر انباشت عظیم سرمایه در برخی از کشورها، اکنون دیگر تنها کالا نبود که صادر میشد، بلکه صدور سرمایه نیز در دستور کار قرار گرفت، تا با غارت مواد اولیه، استفاده زمین و نیروکار ارزان کشورهای دیگر، حد اکثر بهره را از آن صاحبان سرمایه سازند. طبیعی است که گسیل سرمایه، گسیل اسلحه، نیروی نظامی، و نیز ایجاد پایگاه، و در بعضی از کشورها ایجاد مستعمره را به دنبال خود داشت. این قدرت‌های بزرگ که به «امپریالیسم» شهرت یافتند برای ... ادامه در صفحه ۴

سخنی کوتاه پیرامون «انتخابات» ریاست جمهوری دوره چهاردهم

تحلیل گفتمان اقتصادی ۶ نامزد تأیید صلاحیت شده توسط شورای نگهبان؛ و برنامه‌هایشان نشان می‌دهد هدف از این بازی «انتخابات» چیست، آیا کارگران و زحمتکشان وتوده فرودست نفعی برای شرکت در این «انتخابات» دارند؟ پاسخ ما روشن است. خیر، هیچ نفعی ندارند. چرا؟ زیرا هدف از برگزاری این «انتخابات» که هر چهارسال یکبار برگزار می‌شود و این بار بخاطر حادثه سقوط بالگرد و کشته شدن ابراهیم رئیسی و «انتخابات» پیش رو چنین است:

حفظ قدرت سیاسی و مشروعیت بخشیدن به نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی ادامه سیاست سرکوب کارگران و زحمتکشان و برنتابیدن تاسیس اتحادیه‌های مستقل کارگری ادامه سیاست نئولیبرالی و کالایی کردن آموزش و بهداشت ... و ادامه ژرفش فقر و اختلاف طبقاتی

ادامه سیاست تبعیض و اعمال فشار بر زنان ... ادامه سیاست آزاد گذاشتن هواداران نئولیبرالیسم در رسانه‌ها و محیط‌های آموزشی و فرهنگی و سیاسی طبیعتاً هواداران رنگارنگ رژیم جمهوری اسلامی که عده‌ای نیز در هیئت «عدالت محوری و امنیت ملی» ظاهر شده‌اند راهی جز تغییر حلقه‌های در چهارچوب نظام ولایت فقیه نمی‌بینند برای چنین هدفی و چنین انتخابات قلابی و گزینشی تبلیغ می‌کنند که شاید اینبار فرجی شود. در این بازی انتخاباتی زحمتکشان و مخالفان نظام نئولیبرالی حق اعلام نامزدی ندارند. لذا همانند تمام دوره‌های گذشته تحریم انتخابات گزینشی و استصوابی و غیر دمکراتیک حق مسلم مردم ماست و این سیاست هیچ تناقضی با احترام ... ادامه در صفحه ۵

به حزب کار ایران (توفان)، حزب طبقه کارگر ایران پیوندید

طبقه کارگر ایران... دنباله از صفحه ۱

جهت ایفای حقوق اقتصادی، سیاسی و اجتماع‌ی اش می‌باشد. خرده بورژوازی هم که از اقشار تولید کنندگان خرد، دست فروشان، رانندگان تاکسی، مغازه داران و کسبه، صاحبان حرفه های کوچک، کارمندان ادارات و شرکت ها، فرهنگیان، دانشجویان و ... تشکیل شده است، گرچه هر یک به سهم خود در مبارزه علیه رژیم غارتگر و تبهکار جمهوری اسلامی ایران در عرصه های سندیکایی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شرکت می‌جویند ولی نه از قاطعیت طبقه کارگر برخوردارند و نه نقش تعیین کننده در مبارزات انقلابی و انقلاب اجتماعی دارند.

بدون تردید تلفیق مبارزات این قشر وسیع با مبارزات طبقه کارگر به ویژه در میهن ما ایران نه تنها ضروری است بلکه شتاب بیشتری به امر مبارزه به سمت پیروزی می‌دهد.

باید در نظر داشت که در اثر هجوم سرمایه داری هار، بی رحم و بی وجدان ایران، قشر خرده بورژوازی به ندرت قادر می‌گردد به جمع سرمایه داران بپیوندد، بلکه بیشتر به خیل پرولتاریا و زحمتکشان رانده می‌شود. گرچه بخش تولید کننده خرد این قشر از یک سو به سمت پرولتاریا تمایل دارد ولی از سوی دیگر چون خود دارای وسیله تولید است به سوی بورژوازی بیشتر تمایل دارد از این رو این قشر در مبارزه طبقاتی علیه بورژوازی حاکم علی‌الاصول پیگیر نبوده و نیست و در نتیجه فاقد یک سیاست مستقل طبقاتی است.

مضافاً اینکه امروز در اثر سیادت و عملکرد نئولیبرالیسم، خرده بورژوازی، یعنی صاحبان تولید کوچک در حال تجزیه و نابودی اند و به طبقه کارگری می‌پیوندند. لذا امروز بیش از پیش تضاد اصلی میان سرمایه داری و کارگران نقش آفرینی می‌کند. مبارزه اقشار خرده بورژوازی علیه بورژوازی حاکم گرچه اساساً بر حق و قابل پشتیبانی است اما اغلب مقطعی و گذرا و توأم با تزلزل و ناپایداری است. مارکسیست لنینیست ها بر این نظرند که حزب طبقه کارگر باید این متحد بالقوه، که در قشر خود به طبقه پرولتاریا رانده شده است را به خود جلب کند. تحقق چنین اتحادی پشتوانه مهمی برای غلبه بر بورژوازی و انجام انقلاب سوسیالیستی بشمار می‌آید.

خودخواهی، فردگرایی و تنها به منافع و موقعیت خود اندیشیدن، ریشه در تفکر بورژوازی و مالکیت خصوصی بر ابزار تولید دارد. از نظر مارکس فردگرایی (اندیویدوالیسم) منشا و مادر تمام خودخواهی ها و تنها به خود اندیشیدن است که در کلیه عملکرد و تفکر سرمایه دار، از انباشت سرمایه گرفته تا گسترش کارخانه ها و افزایش تولید، خرید بهترین و لوکس ترین مسکن و وسایل زندگی، اتومبیل، کشتی، هواپیما و ... به وضوح مشاهده می‌شود. در نتیجه تفکر و شیوه فردگرایی، البته در سطوح دیگر در کلیه افراد جامعه به ویژه در خرده بورژوازی نیز رسوخ می‌کند.

ولی یک کمونیست باید برای این برزمد که اکثریت جامعه قادر باشد از نعم مادی جامعه بهره

جوید. اما همانگونه که در بالا اشاره رفت یک بورژوا و یک خرده بورژوا بطور عمدۀ به منافع شخصی خویش می‌اندیشد. به همین دلیل با کمونیست ها ایشان در یک جوی نمی‌رود، سهل است که در مقطع تعیین کننده به خون او نیز تشنه می‌گردند. از همین روست که خرده بورژوازی در هیچ دوره ای و در هیچ کشوری در مبارزه علیه بورژوازی حاکم قاطع و پیگیر نبوده است.

در ایران امروز به علت حاکمیت جمهوری اسلامی که کلیت بورژوازی ایران را نمایندگی می‌کند، رانت خواری، فساد و دزدی و غارت و اختلاف طبقاتی به ابعاد فاجعه باری رسیده است. ما با نهادهای مختلف قدرت سروکار داریم. بیت رهبری، مجلس، قوه قضائیه، دولت، سپاه، اتاق بازرگانی، آستان قدس رضوی، جبهه پایداری (که همان حجتیه سابق است)، حوزه علمیه قم و ... که هر یک با دخالت های نابجا و مخرب روز به روز بر تعداد مخالفین و ناراضیان و اعتراضات می‌افزایند. لیکن اعتراضات سیاسی در ایران به خاطر فقدان نیروی رهبری کننده انقلابی هنوز حیات نظام را به خطر نیانداخته است و در نابسامانی و بی دورنمایی بسر می‌برد.

سه عامل مشروعیت نظام یعنی مذهب که همان حکومت ولایی از آن به عاریت گرفته شده است، جمهوریت و انتخابات ریاست جمهور و مجلس و بالاخره مبارزه با مستکبرین (اغنیاً) و دفاع از مستضعفین هر سه از محتوا تھی و به ضد خود تبدیل گشته اند. این بدان معنی است که نظام ولایت فقیه که ماهیتش سرمایه داری است دیگر در میان اکثریت مردم به هیچوجه از مشروعیت برخوردار نیست زیرا که حکومتگران از نظر مذهبیه خلاف آنچه موعظه می‌کردند عمل کردند، انتخابات را فرمایشی و با تمرکز و افزایش هرچه بیشتر ثروت در دست قشری محدود و معین، دامنه فقر در میان آحاد جامعه را گسترش دادند. در اثر ممنوعیت سندیکاها، احزاب، اجتماعات، مطبوعات و رسانه های آزاد، سرکوب ناراضیان، خبرنگاران، شعرا و نویسندگان، و از همه بدتر فشار مضاعف بر زنان شجاع ایران بویژه در امر حجاب اجباری و ... روز به روز به صورت تصاعدی بر تعداد ناراضیان افزوده گشته است به قسمی که مردم در خیابان و کوچه و بازار علناً و آشکارا زبان به ناسزاگویی به مسئولین نظام از رهبر گرفته تا رئیس جمهور و عمله و آکره آنها می‌گشایند. مردم نه تنها از حکومت جمهوری اسلامی و نهادهای آن ناامید گشته و به آن پشت کرده اند بلکه در سطوح و اشکال مختلف دست به مبارزه می‌زنند.

یکی از این نهادهای به غایت ارتجاعی که جان زنان را به لب رسانده است، ستاد امریه معروف و نهی ازمکر است که به ابتکار عوامل جبهه پایداری هنوز هم فعال است. همان ستادی که «گشت ارشاد» را آفرید و باعث مرگ مهسا امینی و شورش کور و بلوای بی دورنمای دو سال قبل گردید.

از نظر حزب ما هر حرکت اعتراضی و شورش گونه که با پرچم انتقام شخصی و بی‌هدف به میدان آید به ضرر مبارزه هدفمند طبقاتی است علیرغم

اینکه نیت شرکت کنندگان در اعتراضات خوب باشد. حزب ما همواره از مطالبات و خواست‌های عادلانه کارگران، آموزگاران و سایر اقشار و طبقات جامعه دفاع کرده و خواهد کرد لیکن همیشه با کسانی که در پی تشدید تحریم‌های ضدبشری بر ضد مردم ایران، تجزیه ایران، نقض تمامیت ارضی و حق حاکمیت ملی ایران، برقراری سلطه مجدد استعمار غرب و تجاوز ناتو به ایران هستند و نسبت به گرایش ایران به سمت شرق که دورنمای مثبت تحول آتی ایران و منطقه بوده و در متن تحولات جهانی و افول آمریکا صورت می‌گیرد، به تخریب منافع ملی ایران مشغولند، مبارزه نموده و در آینده نیز مبارزه خواهد کرد.

حزب ما با مقاصد مزورانه و شوم کشورهای عضو ناتو در تقویت کارزارها، و رسانه های عمومی و هجوم هیبریدی و تمام زیرمجموعه هایش که با فریب کاری مشغول خرابکاری علیه منافع کارگران و عموم مردم زحمتکش ایران هستند مرز روشن دارد و محاصره اقتصادی و سیاسی ایران، تجاوز به ایران از طریق شبکه مجازی و نظایر آنها را اعلان جنگ علنی با ایران دانسته و شدیداً محکوم می‌کند.

خلاصه کنیم. همانطور که بارها تأکید کرده ایم تنها بر اساس مرزهای روشن، خواست سرنگونی این رژیم **آنها تنها با دست مردم ایران** در خدمت فرودستان جامعه معنا و مفهوم پیدا می‌کند و خواست براندازی رژیم حاکم بدون داشتن این دورنما خواستی در خدمت منافع امپریالیسم، صهیونیسم و مبتنی بر خونخواهی، انتقامجویی و قصاص است. در یک کلام یک انسان آگاه بویژه یک انسان کمونیست می‌بایست **اولاً** در بررسی پدیده ها با پرهیز از هرگونه ذهنی گری سیاسی و هیجان اجتماعی که روح خرده بورژوازی عجول را بازتاب می‌دهد، از شیوه دیالکتیک پیروی کند، **ثانیاً** جوامع را از جنبه طبقاتی و تناسب قوا و نه احساسی و شعاری تجزیه و تحلیل نماید تا قادر گردد از شرایط مشخص، تحلیلی مشخص ارائه دهد. طبقه کارگران تنها با چنین شناختی از تحولات جامعه و با چنین تحلیلی است که می‌تواند تحت رهبری حزبی سرنوشت انقلاب آینده را رقم زند.

برای غلبه نهایی بر رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و درهم شکستن ماشین سرکوب آن، به حزب انقلابی واحد طبقه کارگر نیاز است. توده مردم و در رأس آن طبقه کارگر بدون تشکل و حزب نیرومندش گوشت دم توپ بورژوازی است. طبقه کارگر بدون سازماندهی و رهبری حزبی ماهیتاً کمونیستی قادر به آزادی خویش و سایر ستمدیدگان نیست و نخواهد بود. تنها با رهبریت صحیح است که شعارها و مطالبات جنبش، با توجه به توان و درجه آمادگی جامعه و ارزیابی تناسب قوای طبقاتی امکان پیروزی، جلب اکثریت و تحقق دارند. توسل به مطالبات غیر قابل تحقق در شرایط نامناسب فقط ضدانقلاب و دشمنان خارجی ایران را تقویت می‌کند که خواهان تحریم و تجزیه و پاره پاره کردن ایران هستند.*

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران به دست مردم ایران

حکم جلب نتایهاو... دنباله از صفحه ۱

این میان آنانکه مورد ظلم واقع شده‌اند مردم فلسطین و نیز بازوی مسلح اش حماس هستند که دادستان مذکور حکم بازداشت سه تن از رهبران آن «محمد ضیف»، «اسماعیل هنیه» و «یحیی سنوار» را هم همزمان صادر کرده است. اینکه جناب دادستان با اتخاذ سیاست «نه سیخ بسوزد و نه کباب» (!) رهبران جنبش مقاومت حماس را که که در عملیاتی بینظیر ومتهورانه ضرباتی مهلک بر پیکر ارتش اسرائیل وارد سازند و افسانه ابرقدرتی و بازاندگی شان را درهم ریزند- را با سران دولت کشوری جعلی هم سنگ و هم جنس قرار می دهد، اگر نگوییم کمال نابخردی که حتمن کمال بی انصافی است. آن هم رژیمی که ۷۶ سال است خلق فلسطین را به معنی واقعی کلمه قتل عام و آواره ساخته، به زندان افکنده و بی خانمان کرده، در جنگ ۸ ماهه اخیر از یک طرف ده‌ها هزار بمب (بیش از ۷۰۰۰۰ تن بمب) روی نوار غزه ریخته و بیش از ۳۷ هزار نفر که اکثراً زنان و کودکان بودند را کشته، سه چهارم ساختمان‌ها را به تلی از خاک مبدل کرده، -که موجب شد اواخر ژانویه گذشته دادگاه بین‌المللی لاهه خواهان پایان دادن به این وحشی گری شود- آگاهانه سیل پناهجویان و آوارگان شمال غزه را مورد هدف گلوله قرارداده، به صورت هدفمند یاوران بین‌المللی را کشته، به ارتش متجاوز و آدمکشش فرمان بمباران و حمله به بیمارستان‌ها را صادر کرده و بالاخره از حربه گرسنگی علیه ۵/۲ میلیون نفر فلسطینی در زندان بزرگ غزه استفاده کرده و می کند. علیرغم حکم دادگاه بین‌المللی، پس از شکایت آفریقای جنوبی مبنی بر اینکه اسرائیل باید عملیات نظامی در رفح را متوقف کند، این کشور نه تنها عملیات نظامی را در رفح ادامه داد بلکه تنها طی ۳ روز (از ۲۶ تا ۲۸ ماه مه ۲۰۲۴) قریب به ۷۰ نفر (که ۱۲ تن آنان زن بودند) از آوارگان چادرنشین فلسطینی در «المواصلی» (در شرق رفح) را توسط بمب‌ها و گلوله‌های تانک‌های ارتش آدمکشش به طرز وحشتناک و دلخراشی در آتش سوزاند. این همان منطقه ایست که صهیونیست‌های جنایتکار پس از قتل عام در شمال غزه به فلسطینیان آواره به عنوان «منطقه امن» (!!) توصیه کرده بودند! اکنون تانک‌های ارتش اسرائیل نه تنها از مرکز شهر رفح عبور کرده اند، بلکه مرز رفح با کشور مصر را تحت کنترل خود درآورده و در روزهای آینده باید منتظر آفریدن جنایات جدید از سوی صهیونیست‌های اشغالگر بود. آری همجنس و همسنگ قرار دادن جنبش حماس که به عنوان بازوی مسلح خلق بلاکشیده فلسطین می رزمند را با نظام جبار حاکم بر سرزمین‌های اشغالی نه تنها طعن تاریخ است، نه تنها توهین به خلق فلسطین است بلکه مخالفت آشکار با جنبش مقاومت فلسطین است که ده‌ها سال آزرگار برای استقلال و ایفای حق و حقوق خود می رزمند. روزنامه گاردین در ۲۸ مه ۲۰۲۴ نوشت: «۹ سال است که اسرائیل مشغول خرابکاری، جنگ اطلاعاتی، هک و جاسوسی علیه دیوان کیفری بین‌المللی است، با این هدف که بیگیرد جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت را دچار اخلال کند. امپریالیست‌های آمریکا و انگلستان نیز از تصمیم کریم خان دادستان ارشد دیوان کیفری بین‌المللی شدیداً انتقاد کردند. قداره بن‌دان امپریالیسم آمریکا بلاانقطاع در حال تلافی و تهدید شخص کریم خان و دیوان کیفری بین‌المللی

هستند. جو بایدن حکم بازداشت نتایهاو از دیوان کیفری را «رسوایی» خواند و گفت «نباید حماس و اسرائیل را همسان انگارد». بلینکن این همسان سازی را «ننگین» خواند و گفت که دادگستری بین‌المللی سلطه قضایی بر اسرائیل ندارد!!! اگر این دادگاه که ۱۲۴ کشور بر ضرورت وجودی آن مهر تأیید زده‌اند نتواند جرایمی نظیر نسل کشی، ایجاد قحطی به عنوان ابزار جنگی، جلوگیری از ارسال کمک‌های بشردوستانه، کشتن عمدی امدادگران سازمان ملل، هدف قراردادن عمدی بیمارستان‌ها، خبرنگاران و مردم بی‌دفاع را دنبال کند و مسببین این جنایات را پشت میز محاکمه کشاند، باید در آن را تخته کرد. حکم جلب نتایهاو و وزیر جنگش لازم الاجراست. بی جهت نیست که آمریکا و نوکرش اسرائیل همانند بسیاری از قراردادهای بین‌المللی از امضای زیر عهدنامه دیوان بین‌المللی کیفری لاهه شانه خالی کرده و می کنند.

شرم و حیا در قاموس امپریالیسم آمریکا و پادوهای آن‌ها محلی از اعراب ندارد! «مایک جانسون» رئیس مجلس نمایندگان آمریکا گفت: «اگر دادگاه لاهه حکم بازداشت نتایهاو را صادر کند، تنبیه و تحریم خواهد شد.» (تکیه از ماست) او اضافه کرد: «دیوان کیفری بین‌المللی هیچ اختیاری بر اسرائیل یا آمریکا ندارد و تصمیم بی‌اساس و نامشروع دادگاه لاهه باید با محکومیت جهانی مواجه شود» (تکیه از ماست)

ناگفته نماند این دادگاه از کارنامه درخشانی در گذشته برخوردار نیست. از جمله زمانی که ناتو به یوگسلاوی حمله کرد و در «اووین» یکی از شهرهای صربستان یک پل را منفجر کرد و ده نفر را یکجا به دیار عدم فرستاد، زیربنای این کشور را در اثر بمباران نیست و نابود کرد و باعث کشتار صدها نفر شد، قومیت‌های مختلف را به جان هم انداخت و ... این دادگاه هیچیک از سران ناتو را بازخواست نکرد. اما در عوض «اسلوبودان میلوشویچ» را که گناهی جز دفاع از آزادی، استقلال و تمامیت ارضی میهنش نداشت را به پای میز محاکمه کشاندند! زمانی که در سال ۲۰۰۳ در اثر تجاوز «کشورهای ائتلاف» به سرکردگی «جرج دبلیو بوش» به عراق صدها هزار نفر کشته شدند این دادگاه جرج بوش را به دادگاه فرانخواند.

در افغانستان که بعد از ۲۰ سال اشغال نظامی کشتار ۶۰ هزار غیر نظامی را -با وقاحتی کم نظیر که تنها در نیروهای اهریمنی امپریالیستی می‌توان سراغ گرفت- «خسارت جانبی» (!!) نامیدند. -همان اراجیفی که نتایهاو امروز در غزه تحویل جهانیان می دهد- و دیوان کیفری بین‌المللی هیچ یک از جنایتکاران اروپایی و آمریکایی را به پای میز محاکمه نکشاند.

اما امروز که کوس رسوایی جنایات ضدبشری اسرائیل، با پشتیبانی امپریالیسم در غزه بر سر هر کوی و برزن در سراسر جهان نواخته شده و میلیون‌ها نفر از حامیان فلسطین و مخالفان صهیونیست‌های جانی را به خیابان‌ها کشانده است، دانشگاه‌های معتبر و بزرگ جهان را در اثر اعتراضات دانشجویان به تعطیلی واداشته و کشور

آفریقای جنوبی ابتکار شکایت علیه اسرائیل به جرم «جنایت علیه بشریت» را به خرج داده، دادستان ارشد دیوان کیفری بین‌المللی وادار گشته است تا بعد از ۸ ماه کشتار بی مهلبا و انزوای کامل اسرائیل در جهان، به دیوان عالی لاهه تقاضای حکم جلب نتایهاو و گالاتن را ارائه کند.

البته در این راستای کتمان تاریخ و حقیقت همزمان حکم جلب سه تن از رهبران حماس را نیز صادر کند. اعترافات و هیاهوی پشتیبانان صهیونیست‌ها از هر سو گوش فلک را کر کرد. اعتراض دولت‌های امپریالیسم آمریکا، انگلستان و آلمان به اقدام دادستان ارشد دیوان کیفری بین‌المللی گویای این حقیقت است که نتایهاو تا چه حد به «چه کنم، چه کنم» و در بن‌بست گرفتار آمده است.

البته همین کشورها که با تحویل اسلحه به اسرائیل، آتش بیار جهنمی هستند که اسرائیل در غزه آفریده، طبق قوانین بین‌المللی خود در زمره جنایتکاران جنگی محسوب می شوند. بی جهت نیست که نیکاراگوئه به همین دلیل از آلمان به دیوان کیفری بین‌المللی شکایت برد.

«مایک جانسون» رئیس مجلس نمایندگان آمریکا در مذمت دادگاه کیفری «عر و تیز» کرده می گوید: «ایالات متحده آمریکا باید دادگاه کیفری بین‌المللی را مجازات کرده و کریم خان (دادستان ارشد) را سر جایش بنشاند. اگر امروز دادگاه کیفری مجاز است که سران اسرائیل را تهدید کند ... گزینه بعدی آمریکا خواهد بود.» یک ضرب‌المثل فارسی می گوید «چوب را که برداری گربه دزد فرار می کنه»!!

او ادامه می دهد: «دلیل اینکه ما هرگز پشتیبانی خود را از دادگاه بین‌المللی کیفری اعلام نکرده ایم، توهین مستقیم آن‌ها به حاکمیت ماست. ما هیچ فرد و نهاد بین‌المللی را بالاتر از حاکمیت آمریکا نمی‌دانیم و اسرائیل از این قانون مستثنی نیست»!! (تکیه از توفان)

او سپس این دادگاه و دادستانش را تهدید به تحریم (حربه همیشگی امپریالیسم آمریکا -توفان) کرده و اضافه کرده است که این مسأله تبدیل به یک معضل بین‌المللی خواهد شد!

از این واضح تر نمی‌توان قداره را علیه خلق‌های جهان و مراجع بین‌المللی از رو بست. از امپریالیسم آمریکا نمی‌توان جز این انتظاری داشت، ولی سران کشور آلمان از جمله صدراعظم و وزیر امور خارجه بی مقدار و دهن دریده اش که از پشتیبانان پروپاقرص صهیونیست‌ها به شمار می آیند، امروز باید تصمیم بگیرند که آیا پشتیبان کشور جنایتکار اسرائیل باقی می‌مانند و به این ترتیب خود نیز در خیل جنایتکاران علیه بشریت قرار می‌گیرند و یا به دفاع از دادگاه کیفری بین‌المللی برمی‌خیزند که خود از بنیانگذاران آن بوده و پای اساسنامه آن را امضا گذارده‌اند. هر جمله‌ای که امروز از دهان صدراعظم و وزیر خارجه دهن دریده اش برضد دیوان کیفری لاهه بیرون بیاید همانند تف سربالا به صورت خودشان بازمی‌گردد. آن‌ها به اندازه «جوزف بول» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا که گفت: «جنایات ... ادامه در صفحه ۴

حکم جلب تانیاهاو... دنباله از صفحه ۳

جنگی در جنگ غزه، تعقیب جدی ترین جنایات براساس قوانین بین‌المللی را وظیفه اصلی این دیوان دانست، شهادت و شعور نداشتند.

البته از تانیاهاو انتظار دیگری نمی رود که صدور چنین حکمی از جانب دیوان بین‌المللی را «رسوایی با ابعاد تاریخی» قلمداد کند و خود را به خاطر داشتن «نظام حقوقی مستقل» «تافته جدا بافته» بدانند! اما جهانیان می‌دانند که هیچ کشوری بالاتر از قانون بین‌المللی که ۲۶ سال پیش به تصویب ۱۲۴ کشور رسیده نیست.

بعد از به رسمیت شناختن کشور مستقل فلسطین از جانب اسپانیا، ایرلند و نروژ، تانیاهاوی نژادپرست که قادر به اقدامات تلافی جویانه علیه این کشورها نیست، کینه حیوانی خود را بر سر مردم فلسطین خالی می‌کند. لغو قانون قطع ارتباط با شمال کرانه باختری، لغو دستور سابق، مبتنی بر تخلیه سه شهرک صهیونیست نشین، ساخت فوری ۱۰ هزار واحد مسکونی جدید برای شهرک نشینان صهیونیست موسوم به «ای یک» (E1)، اعلام این موضع: که ما از این به بعد هر کشوری که فلسطین را به عنوان کشور مستقل به رسمیت بشناسد، یک شهرک جدید صهیونیست نشین در کرانه باختری خواهیم ساخت، لغو مجوز رفت و آمد کلیه شخصیت‌ها و مسئولین تشکیلات خودگردان فلسطین از کلیه گذرگاه‌ها و ... از این کینه حیوانی نشأت می‌گیرد.

اسرائیل که درعرصه بین‌المللی روز به روز بیشتر منزوی می‌شود چاره‌ای جز اتخاذ سیاست‌های تلافی جویانه نسبت به فلسطینیان ندارد. همانگونه که بعد از هر حمله حماس مردم بی‌دفاع غزه را به گلوله و بمب می‌بندد، چون در مقابله با حماس درمانده است.

هولوکاست واقعی را می‌توان امروز در غزه و هم‌اکنون در چادرهای پناهندگان دید. ارتش اسرائیل نسبت به فلسطینیان همان رفتار ضدانسانی را اعمال می‌کند که ارتش هیتلر با یهودیان و کمونیست‌ها می‌کرد.

حیرت انگیز و نفرت آمیزتر از اینکه ملغمه ای از مزدوران، فریب خوردگان، از دنیای بی‌خبران و نابخردان که نام اپوزسیون جمهوری اسلامی ایران بر خود نهاده اند، حماس را تروریست می‌نامند و در مقابل به رفتار و کردار فاشیستی و ضدبشری صهیونیست‌ها مهر تأیید می‌کوبند و به این ترتیب عملاً آب به آسیاب آدمکشان فاشیست می‌ریزند.*

مفهوم لیبرالیسم و... دنباله از صفحه ۱

گسترش مناطق تحت نفوذ و به یک کلام حفظ سود و سلطه، دو جنگ جهانی و ۱۲ جنگ منطقه ای و نیابتی را با تمام عواقب مرکب‌بارش برای بشریت به ارمغان آوردند که هنوز هم دست بردار نیستند. آخرین تمهیدات و تهدیدات که بوی جنگ را به مشام جهانیان میرساند، تقویت رژیم نئونازی اکرائین و بسته ۶۱ میلیارد دلاری اخیر است که برای اکراین و تایوان و اسرائیل در نظر گرفته شده است تحت این بهانه که باید جلوگیری از چین و روسیه را گرفت!

سوم اینکه ببینیم عملکرد نولیبرالیسم که از دهه ۸۰ میلادی، بویژه از بعد از فروپاشی شوروی

و تحقق یافتن تدریجی پدیده جهانی شدن سرمایه، جان تازه گرفت چگونه حتی دستاوردهای لیبرالیسم را در عمل میان تهی ساخته و میسازد.. نولیبرالها که اکنون با ایده جهانی سازی سرمایه (گلوبالیزیشن) نیز مجهز شده بودند، با آزاد سازی سرمایه از هرگونه قید و بندی، بعلاوه اعمال ریاضت اقتصادی، عملاً انتقام خود را از دولت رفاه، که یکی از دستاوردهای مهم لیبرالیسم بشمار می‌آید - و به آن می‌بالیدند - گرفتند. دولت رفاهی که پایه های آن را بیسمارک در دهه ۸۰ قرن ۱۹ برای دور کردن کارگران از سوسیال دموکراتها ریخت واز بعد از جنگ جهانی دوم، باز هم بخاطر رقابت با کشورهای سوسیالیستی گسترش و ادامه یافته بود. نولیبرالها عملاً با کاهش نفوذ و عملکرد سندیکاها، پایین نگاهداشتن سطح دستمزدها از طریق استفاده از نیروی کار ارزان، هم در کشور مادر و هم در کشورهای در حال رشد در اثر انتقال مراکز تولید به آنجا، کاهش چشم گیر بیمه های اجتماعی نظیر بیمه های درمانی، بیکاری، وپانزشتگی و... دولت رفاه را اخته کردند.

افزایش قیمت و اجاره مسکن، امروز به سطحی رسیده است که در بیشتر موارد بیش از نیمی از درآمد شاغلین را می‌بلعد و در نتیجه آنها را به زیر خط فقر سوق میدهد. برای استفاده از نیروی کار ارزان امروز علاوه بر بنگلادش و سریلانکا و تایلند و... کشورهای اروپای شرقی نظیر بلغارستان، رومانی، لهستان و چک هم به آنها افزوده گشته‌اند. امروز اگر حد اقل دستمزد مثلاً در آلمان هر ساعت ۱۴ یورو است؛ برای نمونه در لهستان ۸٫۵ یورو میباشد و در سایر کشورها بلوک شرق وضعیت مشابهی حکم فرماست. نولیبرال‌ها در پی کاهش قدرت طبقاتی توسط اتحادیه‌ها، جلوگیری از توزیع ناچیز از ثروت توسط دولت رفاه و توقعات دموکراسی واقعی مردم هستند. در پی در هم شکستن همبستگی نیروی کار با استفاده از حیل مختلف اند. در عوض در پی از بین بردن هر محدودیت قانونی برای حرکت بی‌در و پیکر سرمایه میباشدند. یکی از اصول با اهمیت نولیبرالیسم در آمریکا این بود که محدودیت‌ها از بازار سرمایه، که طی یک قرن مبارزه برای قانونمند کردن سرمایه بدست آمده بود را از میان برداشتند. به این ترتیب وال استریت و والس‌تریت‌ها قدرت بالای سر دولت شدند. دولت‌ها آنچه را که بازار مالی مینامند، بازگشت سرمایه داری افراطی است که هیچ قانونی نمیشناسد جز حد اکثر سود. **چهارم اینکه** جهانی سازی برخلاف ادعاهای کاذب، همگن سازی نیست، بلکه برعکس گسترش سلطه انگشت شمار کشورها بر بازارهایی مالی جهان است. آنها میکوشند با کمک صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی قدرت طبقاتی سرمایه داری جهانی را حفظ و گسترش دهند. ابزار فوق‌الذکر وظیفه ای جز وابسته کردن هرچه بیشتر کشورها به سرمایه جهانی ندارند. نولیبرالیسم عملاً مفهوم آزادی از مشارکت در امور

سیاسی را به آزادی نامحدود در بازار تنزل میدهد. "فعالیت سیاسی مردم برای تاثیر گذاری در قدرت در شرایط دموکراتیک، تبدیل به اقتصادی شدن شرایط در عرصه های قانون، فرهنگ و جامعه شده و عملن حاکمیت مردم دیگر محلی از اعراب نمیباید. زمانیکه سرمایه داری کلان و بازار مالی در راس قرار دارند، مردم دیگر از صحنه تاثیر گذاری سیاسی واقعی رانده شده اند. «وندی براون» در نولیبرالیسم به انسان نیز به عنوان سرمایه مالی برخورد می‌شود. «در کلیه عرصه های سیاسی، مدنی، مذهبی، خانواده و... انسان، انسانی اقتصادی است. امروز انسان شکل سرمایه ای انسان ارزش افزا را بخود گرفته است." (وندی براون) حتی مبارزات انتخاباتی هم پاول میگردد.

نهاد های همگانی خدمات را هم خصوص کرده اند. بیمارستانها و کلینیک هایی که ده ها سال در مدیریت دانشگاه ها بودند را خصوصی کرده اند. از تعداد پزشکان و پرستار ان و کارمندان کاستند، حقوق شاغلان را کاهش دادند و از انعقاد قراردادهای رسمی طفره رفته و قراردادهای موقت را به آنها تحمیل کردند. تجارت با اعضای بدن انسان وجراحی های غیر ضروری رواج یافتند. شرکتهای دارویی با تکیه بر لابی خود روز بروز قیمت داروها را افزایش دادند. دانشگاه ها، مدارس، پست، راه آهن، وسایل نقلیه عمومی، برق و حتی آب را خصوص کردند. دیگر از آپارتمان سازی دولتی برای اقشار کم درآمد خبری نیست. در عوض با افزایش قیمت سرسام آور مسکن شرایط برای اقشار کم در آمد غیر قابل تحمل گشته است. و در این راستا حاکمیت سیاسی وظیفه ای جز حفاظت از منافع سرمایه برای خود قائل نیست. در این جوامع حتی دموکراسی نیز در عمل از محتوا تهی گشته است. به دموکراسی می‌بالند ولی دموکراسی به ندرت توانسته به وعده هایش عمل کند. به قول وندی براون «دموکراسی امروز در ملل «ایرو آتلانتیکی» به زمزمه ای تبدیل شده است.» حتی آلن گرین اسپن معتقد است که «انتخابات دیگر چندان مهم نیستند. به یمن جهانی شدن، دنیا توسط نیروهای بازار اداره میشود» و نه نمایندگان مردم. امروز از دموکراسی فقط آزادی نسبی فردی باقی مانده است. در جوامع دموکراسی، حکومت قانون از مفهوم تهی گشته است. احزاب در فعالیت های انتخاباتی اقوالی به مردم میدهند که بعد از بقدرت رسیدن قادر به انجام آنها نیستند. به همین دلیل مردم به خصوص از آغاز هزاره سوم روز بروز بیشتر از سیاست سرخورده و سال به سال کمتر در انتخابات شرکت میکنند.. بسیاری از آنها دیگر نه تنها به سیاستمداران اعتماد ندارند، چه بسا که آنها را به باد ناسزا میگیرند. و این هم یکی دیگر از محصولات نولیبرالیسم است. حتی میتوان ادعا کرد که یکی از دلایل پشت کردن مردم به احزاب حاکم و روی آوردن به احزاب فاشیستی در حال رشد نیز در نهایت از عملکرد نولیبرالیسم ناشی میشود.*

حماس رهبر رهائی بخش مردم فلسطین بر ضد اشغالگری و تجاوز است

سخنی کوتاه پیرامون... دنباله از صفحه ۱

به انقلاب تاریخی و بزرگ ملت ایران در سال ۱۳۵۷ ندارد بلکه باید حاصل آن باشد و جز این نیست. کارگران باید برای مطالباتشان از هر گونه شکاف و تضادی سود برند و برای تاسیس تشکل مستقل خود به پیکارشان ادامه دهند. چنین پیکاری که برای تضمین امنیت داخلی و شغلی و معیشتی است مکمل امنیت ملی است و تفکیک ناپذیر است.

اگر امروز از امنیت ملی سخن می‌رود و آن امری درست و برحق نیز می‌باشد با این تحلیل است که نقض امنیت ملی و ورود اشغالگر و متجاوز به ایران نظیر امپریالیسم و صهیونیسم نابودی همین حقوق شهروندان را به دنبال خواهد داشت. متجاوز و اشغالگر با غارت کشور تمام منابع رو و زیرزمینی میهن ما را در خدمت منافع خودش غارت می‌کند و نه برای تامین امنیت مردم میهن ما. امنیت ملی آن سپر بلا و سنگری است که باید حقوق و منافع مردم میهن ما را حفظ کند و مانع شود که ایران ویران و نابود گردد و از صفحه تاریخ مانند بسیاری از کشورها و خلق‌های دیگر زوده گردد. امنیت و مبارزه برای منافع ملی کشور ما ایران در خدمت آینده مردم و شهروندان ایرانی است و اساسا با این انگیزه‌ی پاسداری از منافع ملی جایگاه بایسته خود را در نبرد اجتماعی تعیین می‌نماید. امنیت ملی و حفظ منافع ملی ایران در عرصه جهانی و در میان انبوهی از دشمنان و غارتگران در تناقض و تضاد آشتی‌ناپذیر با امنیت شهروندان، حقوق دموکراتیک مردم در درون ایران نیست. یکی لازم و دیگری ملزوم آن است. یکی بدون دیگری کامل نیست و لذا یکی بر روی دیگری به عنوان دو قطب و پدیده متقابل و متاثر بر روی هم به صورت دیالکتیکی تاثیر گذارده و نابودی یک طرف این تضاد به نابودی طرف دیگر و خاتمه یافتن این فرآیند تمام می‌شود.*

حمید نوری آزاد شد و اپوزیسیون بر انداز خود فروخته هوادار امپریالیسم در شوک فرو رفت

اپوزیسیون بی مایه و ارتجاعی هوادار امپریالیسم آمریکا که برای دست گیری حمید نوری این عنصر دست چندی ترور و جنایت هلهله بپا کرده بود، با آزاد شدن او، شوکه شد. دادگاه‌های نمایشی و بوداری نظیر «ایران تریبونال»، دادگاه مردمی آبان ۹۸ لندن یا دادگاه حمید نوری سوئد» همگی دارای ماهیتی ارتجاعی است و با حمایت‌های مالی و معنوی ممالک امپریالیستی و غارتگر شکل گرفته است.

این دادگاه‌های امپریالیستی برای تحقق عدالت و رهایی نیستند، ابزاری در جهت توسعه نیات شوم اجانب هستند. سوئد به نوکر ناتو بدل شده و در جهت منافع امپریالیسم آمریکا خوش رقصی و انجام وظیفه می‌کند. عمال کشتار وحشیانه سال‌های ۶۰ تا ۶۷ را دادگاه

خلق ایران به محاکمه خواهد کشید زیرا مردم ایران نه می‌بخشند و نه فراموش می‌کنند و نه به خیانت ملی تن در می‌دهند. ایرانی که برای تکه استخوانی خودش را به اجانب فروخته است و به ابزار دست امپریالیستها بدل شده است، ایرانی نیست، دشمن مردم و موجودیت ایران است.

این ایرانیان خودفروخته و فریب خورده اسیر احساسات لحظه‌ای بوده و یا مزدور همین قدرتهای جنایتکار هستند نظیر فرقه رجوی، سلطنت طلبان و تجزیه طلبان قومی.

مگر همین دستگاه قضائی سوئد نبود که رسیدگی به پرونده ترور نخست وزیرش اولاف پالمه رهبر سوسیال دموکرات را ماستمالی کرد، مگر همین روزنامه پرتیراژ آفتونلات سوئدی نبود که اسنادی منتشر نمود که اسرائیلی‌ها اعضاء بدن جوانان فلسطینی را در بازار آزادجهان می‌فروشد و جوخه‌های ترور برای کشتار این جوانان دارند ولی هرگز یک نفر اسرائیلی در این کشور تحت تعقیب قرار نگرفت و دستگیر و مجازات نشد. تا کی می‌شود به ساز ارکسترهای امنیتی و جاسوسی این کشورها رقصید و خود را عدالتخواه و انترناسیونالیست جا زد.

برای امپریالیست‌ها نقاب انساندوستی دوختن همدستی با آنهاست و نه اجراء حقوق بشر.

مگر همین دادگاه در سوئد برای جولیان آسانژ پرونده قلابی با یاری فاحشه‌های امنیتی سوئد درست نکرد، مگر جنایتکاران اسرائیلی به سوئد سفر نمی‌کنند چرا دستگیر نمی‌شوند مگر مصالح حقوق بشر این امر را ایجاب نمی‌کند. مگر تونی بلر و یا جرج بوش، کلینتون و اواما جویایدن که جنایتکار جنگی هستند در دادگاه کیفری لاهه محکومیت پیدا کردند ولی می‌خواهند پوتین را با نوری را محاکمه کنند.

هیچ انسان دوراندیش و مترقی نباید صلاحیت این دادگاه‌های امپریالیستی را که خودمسبب همه جنایات ضد بشری هستند تأیید کند. قاتلان در یوگسلاوی که مورد تأیید آنها هستند راست راست راه می‌روند و در سوئد خوشگذارانی می‌کنند و مورد تعقیب نیستند.

آدم مفلوکی به نام نوری، مهره مرده و تروریست و شکنجه گر ناچیزی است که ده‌ها نظیر آن در ایران و صدها خوفناکتر از آنان در تل آویو، کرواسی، کوزوو، اوکراین، کلمبیا، برزیل، شیلی و در کاخ سفید وجود دارند. وی مهره سوخته است ولی سایرین بر سر کارند، رشد می‌کنند و دیگران را می‌سوزانند. نوری در سوئد مرتکب قتل نشده است ولی رفسنجانی در آلمان مرتکب قتل شده بود. این دو نمونه دو مقوله متفاوت اند. این یک تجاوز آشکار قضائی و توسعه طلبی امپریالیسم سوئد است. اینان تروریسم سوئد را می‌توانند در همه جا به قیمت خوب بفروشند. به اروپا این امکان را داده اند که مستقلا هر کسی را که مورد لطفشان نبود محاکمه کنند. این دادگاه‌ها همه ابزار استعمار و سرکوب هستند و نه عدالتخواهی. فریب این هوچی بازی‌های دغلاکارانه را نباید خورد. این دادگاه‌ها برای توجیه اشغال ایران برای اجرای

«عدالتند» فقط ضد ایرانی‌ها خجالت می‌کشند بگویند هوادار تحریم مردم ایران که گویا جنایت نیست و یا هوادار تجاوز به ایران و تعویض رژیم و برگزاری دادگاه‌های «عدالتخواه» به دست دادستانهای ناتو و سوئد هستند. یا کسی باید از نظر سیاسی احمق باشد و به میهنش خیانت کند و یا باید همدست و مزدور امپریالیسم باشد و برای آنان رقاصی کند و مزد بگیرد. این گروه‌های ضد ایرانی و صهیونیستی باید هر چند یکبار ترانزنامه کارشان را برای تداوم دریافت حقوق بازنشستگی خود در مقابل مقامات مسئولان امنیتی دشمنان مردم ایران ارائه دهند. آنها باید این کارنامه خالی را پر کنند، خود را فعال نشان دهند، جنجال کنند، کارزارهای تبلیغاتی و سخنرانیهای سفارشی در تلویزیونهای بیگانگان ترتیب دهند، به پابوسی آمریکا، اسرائیل روند تا «آب باریکه» آنها خشک نشود. اقدامات این اپوزیسیون حقیر، دفاع از حقوق بشر نیست، همدستی با تمام آن دستگاههایی است که حقوق بشر را در سراسر جهان با یاری قدرت نظامی، قضائی و قوانین خود زیر پا می‌گذارند.

تاکید می‌کنیم حمید نوری باید مانند سایر جنایتکاران در دادگاه خلق در ایران توسط مردم محاکمه شود، در سرزمینی که در آن مرتکب این جنایات شده است ویس!*

استالین پرچم است و مجددا بپا می‌خیزد (۱)

توضیحات

مقاله ای را که از نظر خوانندگان گرمای توفان می‌گذرد به قلم رفیق فریدون منتقمی است که به یاد او منتشر می‌کنیم.

این مقاله محصول یادداشت‌های پراکنده رفیق فریدون منتقمی است که از سال ۱۳۶۵ خورشیدی در فرصت‌هایی که در اختیارش قرار گرفته بود قلم زده است. این یادداشت‌های خطی در زمینه‌های گوناگون دوران زندگی استالین برشته تحریر در آمده است.

پیشرفت فنون و تجهیز کامپیوتر با زبان فارسی کار این نگارش را تسهیل کرد زیرا نویسنده موفق شد یادداشت‌های پراکنده و مجزا از هم را با پیدایش این شرایط جدید در جای مناسب خویش بگنجانند و بتدریج کار تدوین و تنظیم یک سند تاریخی را که به صورت روزانه تکمیل می‌شود آغاز کند.

در مقدمه این مقاله رفیق فریدون چنین نوشت:

«تدوین سندی در مورد شخصیت یکی از رهبران استثنائی جنبش جهانی کمونیستی که معمار ساختمان سوسیالیسم در شوروی بوده است کار آسانی نیست. دشمنان سوسیالیسم با شم طبقاتی خویش فهمیده اند که برای نابودی و بی اعتبار کردن سوسیالیسم بهتر است حملات خویش را بر استالین و ... ادامه در صفحه ۶

تئوری «مبارزه دو قطب ارتجاع»، تئوری صهیونیسم برای تخطئه مبارزه مردم فلسطین است

استالین پرچم است... دنباله از صفحه ۵

سپس لنین و لنینیسم و سرانجام بر مارکسیسم متوجه کنند. مبارزه با استالین و به لجن کشیدن وی، فرشته ای رادیو نمایانان مبارزه با کمونیسم است. این حقیقت را ضد کمونیست ها فهمیده اند و دائما به خرمن آتش آن هیزم می ریزند. حجم آثار دروغ و اسناد جعلی اعم از فیلم، نامه، مقاله، کتب، اعلامیه، موضعگیری های افراد گمنام و بی شخصیت و... که در مورد رفیق استالین منتشر شده است در تاریخ مبارزه طبقاتی بی همتاست. شما هر چه بیشتر خود را با سرگذشت استالین و تاریخ مبارزه طبقاتی در شوروی مشغول می کنید بیشتر به دامنه افسانه سرائی و دروغگوئی بورژوازی و همدستان وی در اشکال کائوتسکیسم، تروتسکیسم، بوخارینیسم، خروشچیفیسم، کمونیسم اروپایی، سوسیال دموکراتیسم و... پی می برید.

بورژوازی امپریالیستی به یاری روزیونیست ها و دشمنان پرولتاریا یک موج عظیم تبلیغاتی، به یاری رسانه های گروهی و اساتید دانشگاه ها و تاریخ نویسان مزدور و جیره خوار با اتکا به توانائی مالیش راه انداخته است تا تاریخ جهان را از منظر منافع استثمارگران بنویسند. حتی اگر شما بارها و بارها جعلیات آنها را برملا سازید، آنها دست از هجوم تبلیغاتی خویش و تکرار دروغها بر نمی دارند. زیرا سخن بر سر اقتاع و کشف حقایق نیست سخن بر سر کوبیدن دشمن طبقاتی به هر وسیله ای است. در این جا پای منافع طبقاتی در میان است. نمونه دروغهائی که جرج بوش و تونی بلر و همدستان آنها به عنوان رسمی ترین مراجع جهانی در مورد یوگسلاوی، عراق، فلسطین، ایران، شیلی و نظایر آنها گفته اند و در آینده نیز خواهند گفت در مقابل ماست. تاریخ آنها با تاریخ ما فرق دارد.

جمع آوری مطالب و پاسخ به این همه جعلیات کار یک یا چند فرد نمی تواند باشد. حجم کار به قدری زیاد است و دامنه تبلیغات به حدی محدود است که نباید انتظار نتایج زودرس داشت. بسیاری احزاب کمونیست در این زمینه اقداماتی کرده اند که می تواند زمینه ای برای پژوهش های بعدی ما باشد. حتی قرائت آثاری که بر ضد سوسیالیسم لنین و استالین به چاپ رسیده و هر روز بر حجم آن افزوده می گردد سالها وقت لازم دارد. حزب کار ایران (توفان) ولی مصمم است که در این راه گام های نخستین را بردارد و همه رفقای حزبی و هواداران لنینیسم را فرا می خواند که در این زمینه فعال شده، اسناد تهیه کرده، مقاله نوشته و این مجموعه را که بتدریج چاپ خواهد شد تکمیل کنند. سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان و حزب کار ایران (توفان) تنها تشکل کمونیستی ایرانی است که پرچم دفاع از استالین را برافراشته و با دشمنان رنگارنگ وی و بویژه خرده بورژواهای غرزن و بزدل پیکار کرده است. مارکسیست لنینیست کسی است که استالین را به منزله رهبر راستین جنبش کمونیستی جهانی بپذیرد و وی را هنوز مشعل جنبش کمونیستی به حساب آورد. استالین معیار است. حزب ما سربلند است که این وظیفه تاریخی را با جسارت پس از بروز روزیونیسم در شوروی به انجام رسانده است.

مقاله ای که از نظر شما می گذرد آغاز این راه است. جای تعجب نباید باشد که در هنگام چاپ قطعی این مقاله که صرفا به مسئله شخصیت والای استالین می پردازد حجم آن از چند صفحه کنونی تجاوز کرده باشد.

بررسی دوران استالین وظیفه افراد نیست وظیفه جنبش جهانی کمونیستی است زیرا استالین سی سال تمام در بحرانی ترین دوران استثنائی قرن بیستم رهبر بلامنازح جنبش جهانی کمونیستی بود. سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان و حزب کار ایران (توفان) در این عرصه اسناد ارزنده ای را از جمله «سوسیال امپریالیسم»، «امپریالیسم نواخته»، «روزیونیسم در تئوری و عمل»، «تروتسکی و تروتسکیسم»، «اعلامیه و برنامه بلشویکهای انقلابی شوروی»، «افسانه استالینیسم» و یا «توطئه بزرگ ضد شوروی جلد اول»، «تحریف کنندگان تاریخ»، «اپوزیسیون تروتسکیستی در گذشته و حال» و ... منتشر کرده است و در این عرصه فعالیت می کند. حزب ما پاره ای از آثار رفیق استالین را مجددا برای انتشار در شبکه اینترنت تایپ کرده است و به این کار ادامه می دهد. انتشار آثار استالین تبلیغ روشن مارکسیسم لنینیسم است در حالیکه تبلیغ تروتسکیسم به عنوان آموزگار «مارکسیسم» که عمر خائنه اش به پایان رسیده است دشمنی علنی خرده بورژواها با کمونیسم است. ولی علیرغم این باید جنبش دفاع از لنینیسم را سامان داد تا ماهیت دشمنان رنگارنگ آن از «چپ» و راست برملا شود.

علت دیگری که موجب شد حزب ما قبل از تکمیل این اسناد به انتشار آن دست بزند، کتابی است که بنام «خیانت به سوسیالیسم، پس پرده فروپاشی اتحاد شوروی» توسط آقای محمد علی عموی ترجمه و منتشر شده است. مضمون این کتاب یک سند جدید روزیونیستی است که تلاش دارد میان نظریات رفیق استالین و غلبه روزیونیسم بر شوروی که سرانجام شوم آنرا شاهد بوده ایم یک آشتی طبقاتی ایجاد کند. این کتاب بر ماهیت ضد کمونیستی روزیونیسم که بر حزب و دولت شوروی و جنبش کمونیستی غلبه کرده بود سرپوش می گذارد و همه کاسه کوزه ها را بر سر گورباچف می شکنند. توگوئی شوروی قبل از گورباچف یک کشور سوسیالیستی بوده است. درک نویسندگان این کتاب از سوسیالیسم بسیار نازل و سطحی است که ما در جای خود حتما به آن برخورد خواهیم کرد تا مبارزانی که صمیمانه در پی کشف حقیقت می گردند و قلبشان در راه آزادی طبقه کارگر می تپد به دام اینگونه برخورد ضد علمی که منبع جدیدی برای بروز انحراف جدیدی است که می تواند مجددا مبارزان را به بیراهه ببرد نیفتند.

ارد بیهشت ۱۳۸۵

«زنده باد پرچم سرخ مقدس ما، پرچم انقلاب سوسیالیستی، پرچم مارکس، انگلس، لنین و استالین. با آنکه روزیونیست ها می کوشند بر این پرچم لجن بپاشند، همچنان پاک و بی لکه است، با آنکه روزیونیست ها می کوشند این پرچم را تا سطح خویش تنزل دهند، نیروهائی در جهان هستند که آن را در اوج نگه می دارند. افتخار بر آن ها!

لحظه ای که این پرچم بار دیگر بر فراز میهن سوسیالیسم به اهتزاز درآید نزدیک است. زنده باد حزب کمونیست بلشویک اتحاد شوروی.

دوستان و دشمنان ما در سراسر جهان بدانند که: «در روسیه بلشویسم مانند سمندر از خاکستر خود زنده می شود. ما بلشویکها خوب می دانیم وظائفی که در برابر ماست چقدر بغرنج است. ولی ما تاب مرگ و شکنجه را خواهیم داشت. اندیشه ی لنین با ماست. قلب بزرگ خلق ما با ماست. ما غلبه ناپذیریم.» (به نقل از اعلامیه و برنامه ی کمونیستهای انقلابی بلشویک شوروی)

شخصیت استالین و «کیش شخصیت» وی

«به خاطر نفرتی که از کیش شخصیت دارم، هرگز اجازه ندادم پیامهای ستایش آمیزی که از کشورهای مختلف بر سر من می بارید، تا مدتی که بین الملل زنده بود، چاپ و منتشر شوند. حتی هرگز پاسخی به آنها ندادم، مگر برای آن که نارضایتیم را ابراز کنم.» (کارل مارکس، کلیات آثار چاپ دوم، جلد ۳۴)

«مارکس و من همواره با هر نوع تظاهراتی به افتخار افراد، جز در موارد مهم، مخالف بوده ایم. هنوز هم این نظر را داریم، به ویژه اگر قرار باشد چنین تظاهراتی به افتخار ما و در زمان حیاتمان صورت گیرد.» (فریدریش انگلس، کلیات آثار چاپ اول، جلد ۲۸)

«شما در نامه خود از «ارادت» به من سخن می رانید. شاید این نکته به طور تصادفی در نامه شما آمده باشد. شاید ... اما اگر این جمله تصادفی نیست، مایلم به شما اندرز دهم از «اصل» ارادت به اشخاص دست بکشید. این یک شیوه بلشویکی نیست. ارادتمند به طبقه کارگر، به حزب آن، به دولت آن باشید. این امری خوب و مفید است. اما آن را با «اخلاص» به اشخاص یعنی این بازیچه عبث و بیهوده روشنفکران سبک مغز خلط ننمائید.» با درودهای کمونیستی ... استالین (نقل از نامه ی استالین به شاتونوفسکی کلیات آثار جلد ۱۳)

استالین یک بار در سال های ۳۰ وقتی قرار شد به پیشنهاد ماکسیم گورکی و یاروسلاوسکی در مورد وی کتابی منتشر شود، نظر نامساعد خود را ابراز داشت و کمی دیرتر در سال ۱۹۳۷ وقتی خواستند داستان هائی در مورد کودکی استالین منتشر کنند، استالین نامه ی زیر را به بنگاه انتشاراتی کتاب کودکان «دتیژ» نوشت: «من با انتشار «داستان هائی درباره ی کودکی استالین» کاملاً مخالفم. در این کتاب اشتباهات درباره ی وقایع، دروغ ها، مبالغه گوئی ها و تعریف و تمجید نویسنده را دوستداران قصه های پریان، دروغ گوین (شاید «دروغ گوینان با حسن نیت») و فرصت طلبان گمراه کرده اند. و این، برای نویسنده، جای تأسف است، اما واقعیات همان واقعیت اند. ولی مطلب عمده در اینجا نیست. مطلب عمده آنست که در کتاب این گرایش وجود دارد که به خلق شوروی (و به طور کلی به خلق ها کیش شخصیت ... ادامه در صفحه ۷

زنده باد سوسیالیسم این پرچم رهائی بشریت!

استالین پرچم است... دنباله از صفحه ۶

رهبران و قهرمانان خطا ناپذیر را القا کند. این کار خطرناک و زیان بخش است. تئوری «قهرمانان و توده ها» بلشویکی نیست، متعلق به سوسیالیست های انقلابی است. سوسیالیست های انقلابی می گویند «قهرمانانند که خلق را می سازند، توده ی پست مردمان را به یک خلق مبدل می کنند.» بلشویکها جواب می دهند: «خلق است که قهرمانان را می سازد.» این کتاب آب به آسیای سوسیالیست های انقلابی می ریزد، و به آرمان بلشویکی همه ی ما لطمه خواهد زد. به عقیده ی من، باید آن را سوزاند. (نقل از مسائل تاریخ ژ. استالین)

این که شخصیت هائی نظیر ماکسیم گورکی در فکر تهیه ی سرگذشت استالین هستند، ناشی از «استبداد استالینی» نیست، این که یک بنگاه انتشاراتی کتب کودکان به رفیق استالین رجوع می کند تا خاطرات دوران کودکی وی را برای کودکان شوروی ترسیم کند با زور و جبر و اعمال قهر «سازمان امنیت شوروی» به وجود نیامده است. این اقدامات نشانه ی خلوص نیت و احترام عمیق توده مردم شوروی به رهبری حزب و دولت شوروی است. این استالین نیست که به کیش شخصیت استالین دامن می زند، این درک مردم شوروی از توانائی های رهبری، کیفیت عالی اداره کشور، بهبود شرایط زندگی توده های مردم، مبارزه ی قاطع و صمیمانه ی وی با دشمنان داخلی و خارجی و صفا و صمیمیت استالین است که به صورت قهرمان و ناجی طبقه کارگر در ضمیر مردم شوروی نقش می بندد و از درون توده مردم می جوشد. مضحک است که اتوریته ای را که با کار خستگی ناپذیر و صمیمانه بدست آمده و محصول تلاش تاریخی استالین است و بازتاب طبیعی علاقه مردم شوروی است، با کیش شخصیت سفارشی و از بالا که به ضرب و زور تبلیغاتی به گوش ها و چشم ها فرو می کنند و فاقد پایگاه اجتماعی است، با ترس و دلهره از استالین یکسان گرفت. شخصیت استالین، شخصیت آن رهبری است که نظایر آن را توده ها همواره در تاریخ، پرچم خود ساخته اند، اسپارتاکوس، روسپیرو، لنین و ... که نقش عمیق شخصیت در تاریخ را ایفاء نموده اند. مارکسیست ها همواره به اهمیت نقش شخصیت در تاریخ اشاره دارند. رهبرانی چون مارکس، انگلس و لنین چنین شخصیت هائی هستند که مورد اعتماد و علاقه طبقه کارگر بوده اند. البته بوده و هستند کسانی که با برخورد مذهبی به آثار مارکسیستی آن را از مضمون علمی و انقلابی زدوده اند و از مارکس و انگلس و لنین پیغمبرانی الهی ساخته اند، لیکن این تلاشهای خرده بورژوازی ماهیتا با ایمان عمیق توده های مردم شوروی متفاوت است.

شخصیت استالین را که محبوب قلوب مردم شوروی بود باید از «کیش شخصیت» وی که تبلیغات بوروکراسی بود، جدا کرد. مخلوط کردن این دو مفهوم دور افتادن از معیارهای ماتریالیستی است.

وقتی جامعه در برابر وظایف یا مسایلی قرار می گیرد که زمان حل آنها فرا رسیده است، متفکرین

و مردان با نبوغی به دنبال حل مسایلی که در زندگی طرح شده است و پاسخ می طلبد می روند. بدیهی است وقتی وظیفه به انجام رسید یا مسئله راه حل خود را یافت افکار مردان بزرگ متوجه وظایف دیگری می گردد. این است که پرسش های زندگی یکی بعد از دیگری و به نوبت طرح و حل می شوند. نقش شخصیت های تاریخی در این متن قابل فهم است. نقش شخصیت در تاریخ یک مقوله ماتریالیسم تاریخی است و در بررسی های کمونیست ها جای ویژه خویش را داراست

ادامه در شماره آینده *

به مناسبت درگذشت فریدون منتقمی، یکی از دبیران سابق کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی (اتحادیه ملی)



با کمال تأسف و تأثر با خبر شدیم که دوست هم رزمان فریدون منتقمی، یکی از دبیران سابق «کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی - اتحادیه ملی» روز ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۳ پس از تحمل یک دوره طولانی بیماری سرطان چشم از جهان فرو بست. زنده یاد فریدون منتقمی در ۳۰ اردیبهشت ۱۳۲۳ در شهر گرگان در یک خانواده متوسط دیده بر جهان گشود. وی دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران به پایان رساند و پس از اخذ دیپلم از دبیرستان هدف، جهت ادامه تحصیل راهی کشور آلمان شد. او که از دوران کودکی تحت تأثیر افکار ضد استبدادی و دموکراتیک خانواده ویژه مادر قرار گرفته بود، آموخت که زندگی محل پیکار علیه بی عدالتی و ظلم است، لذا خیلی زود در دوران دبیرستان قدم به عرصه فعالیت و مبارزات سیاسی و اجتماعی گذارد. به همین دلیل او پس از ورود به شهر مونیخ در سال ۱۳۴۳ بدون درنگ به صفوف مبارزات ملی و دموکراتیک ضد رژیم ستمشاهی و وابسته به امپریالیسم حاکم بر ایران پیوست و به سرعت به عضویت سازمان دانشجویان شهر مونیخ، وابسته به کنفدراسیون جهانی درآمد و تا انقلاب بهمن ۱۳۵۷ عضو فعال این جنبش درخشان جهانی باقی ماند. فریدون منتقمی یکی از فعالان پر انرژی، پرکار و خستگی ناپذیر واحد کنفدراسیونی شهر مونیخ و بعدها شهر گیسن در مرکز آلمان بود.

او که به عنوان نماینده سازمان به کنگره های کنفدراسیون اعزام می شد، فعالانه و خلاقانه در بحث ها شرکت می جست. فریدون منتقمی که از سال ۱۹۷۳ تا ۷۴ به سمت دبیر فرهنگی کنفدراسیون برگزیده شده بود با پشتکار و انرژی فراوان، علاوه بر فعالیت های فرهنگی جاری نظیر سمینارها و جلسات فرهنگی و ... دو اثر ارزنده از خود به یادگار گذارد. اولین صفحه گرامافون سرود کاروان (گالیا) بر گرفته از شعر گالیا سروده هوشنگ ابتهاج بود. در این اثر زیبا و ارزنده که توسط گروه کر واحد کنفدراسیونی شهر مونیخ اجرا شد، فریدون با دکلمه رزم گونه ای این شعر را در اجرای کر همراهی کرد. دومی کتاب پر محتوای نامه پارسی، ارگان فرهنگی کنفدراسیون حاوی مقالات سیاسی، اجتماعی، ادبی و داستان های متنوع و پر محتوا بود. علاوه بر این او در سال ۲۰۱۰ ابتکار عمل برگزاری نشست یادمان پنجاهمین سال تاسیس کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی را در دست گرفت و جهت تدارک آن، کمیته ای در شهر ماینس تشکیل داد که نزدیک دو ماه فعال بود و زمینه را ازهر جهت برای برگزاری هرچه موفق تر آن آماده کرد. در این نشست که در تاریخ ۵ ژانویه ۲۰۱۳ در خانه جوانان شهر فرانکفورت (محل برگزاری کنگره های کنفدراسیون در دوران حیاتش) برگزار شد، بیش از ۵۰۰ نفر از نیروهای ضد امپریالیستی، ضد استبدادی و دموکرات، بویژه اعضا و فعالان سابق کنفدراسیون شرکت جستند. این نشست که به منظور ارج نهادن به مبارزات درخشان یک نسل از دانشجویان در نظر گرفته شده بود، با ۷ ساعت برنامه های متنوع با موفقیت هرچه تمام تر برگزار شد و از طریق دنیای مجازی انعکاسی وسیع یافت و فریدون منتقمی در تدارک و -برگزاری آن نقش مهمی ایفا کرد درواقع می توان ادعا کرد که با این نشست، بار دیگر قدرت و اهمیت کنفدراسیون به نمایش گذارده شد. فریدون منتقمی یکی از مبارزین سختکوش و خستگی ناپذیر علیه امپریالیسم، ارتجاع، استبداد و برای استقرار دموکراسی و عدالت در مین ما ایران بی وقفه تلاش می کرد. و به همین دلیل او جهت تحقق اهداف فوق به صورت خستگی ناپذیر در صفوف کنفدراسیون مبارزه کرد. دبیران سابق کنفدراسیون فقدان این دوست مبارز را به خانواده او و همه مبارزان راه آزادی و دموکراسی برای ایران تسلیت می گویند و یادش را گرامی می دارند.

دبیران سابق کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی (اتحادیه ملی):

دکتر بهمن نیرومند

بهرروز بیات

فرامرز افشار

مجید زربخش

هرمز صمیمی

کاظم کردوانی*

"حکومت شورایی" بدون رهبری حزب کمونیستی، حکومت بورژوازی است

Revolutionary Communist Party of Chile

حزب کمونیست انقلابی شیلی ،

https://www.facebook.com/rdr_1=rdc_PCRCHILE

COMUNICADO
Con motivo de la muerte del camarada Freddy Montaghami, miembro destacado de la dirección del Partido del Trabajo de Irán (PTI).



May 1944 - May 2024

Los que vivimos son los que luchamos, los que tenemos el cuerpo y la mente. Somos de una voluntad férrea. Sabemos por el conocimiento constante del obrero, de los comunistas que el camino hacia una nueva sociedad, y ella y mucho tienen un sentido un deber sagrado o un gran amor espontáneo. Victor Hugo

Con gran pesar y profunda tristeza, informamos a todos los miembros y partidarios del Partido del Trabajo de Irán (PTI), a todos los Frentes socialistas y progresistas y a los partidos y organizaciones de la Cominternación Internacional de Partidos y Organizaciones Socialistas Revolucionarias (CIPOML) que nuestro camarada Freddy Montaghami, un destacado miembro de la dirección del Partido del Trabajo de Irán (PTI), falleció el domingo 19 de mayo de 2024 con una larga batalla contra el cáncer. Sabemos conocido por su compromiso de toda la vida, su fe y victoria de una existencia y victoria.

Arbeit Zukunft

رفقای عزیز،

با دروذهای مبارزاتی، درگذشت رفیق فریدون منتقمی را به شما و خانواده اش تسلیت میگوئیم.

رفیق فریدون منتقمی چندین دهه برای رهایی از سرمایه داری و امپریالیسم دست به مبارزه زد. او همیشه با روحیه همبستگی بین المللی مدافع همکاری مارکسیست-لنینیست ها بود. ما او را برای چندین دهه به عنوان یک رفیق می شناسیم که حتی زمانی که با بیماری خود دست و پنجه نرم می کرد، وظایف خود را به عنوان یک کمونیست و انترناسیونالیست در اولویت قرار می داد. او همیشه آماده بود تا همه نیروی خود را وقف آرمان طبقه کارگر و رهایی مردم کند.

با توجه به تهدید فزاینده صلح و آزادی خلقها توسط امپریالیست ها برای تسلط بر جهان، اعم از آمریکا، ناتو، آلمان یا چین و روسیه، روحیه مبارزاتی انترناسیونالیستی رفیق منتقمی الهام بخش تعمیق همکاری ما در کنفرانس بین المللی احزاب و سازمانهای مارکسیست لنینیست است (CIPOML).

ما مطمئنیم که شما اندوه خود از این فقدان را به نیروی مبارزه برای آزادی مردم ایران و طبقه کارگر تبدیل خواهید کرد.

با همبستگی،

دیتهارت مولر

ار طرف

سازمان برای ایجاد حزب کمونیست کارگران

ابراز می داریم.

زندگی مبارزاتی کمونیستی که برای رهایی طبقه کارگر و مردم پیکار میکند منبع الهام ما خواهد بود.

برادرانه

حزب کمونیست انقلابی ولتائیک

(بورکینافاسو)

Pakistan Mazdor Mahaz

رفقای گرامی ،

از درگذشت رفیق فریدون منتقمی ،عضو مرکزیت حزب کار ایران (توفان) ، بسیار اندوه گین شدیم. ما همگی رفیق بسیار محبوبی را از دست داده ایم. این ضایعه ای است که همیشه با ما خواهد بود اما مطمئن هستیم که مبارزه و آموزشهای رفیق برای همیشه راهنمای فعالیت ما خواهد بود.

دروود سرخ به مبارزه رفیق !

رفیق شما شوکت علی چوهدری

دبیر کل جبهه کارگران پاکستان (پاکستان

مزدور محاذ)

Stalin society. India

May 25, 11:27 am

For a People's Democracy

May 25, 11:27 am

EMEP- Labour Party- Turkey

رفقای گرامی،

با اندوه ، ما از درگذشت رفیق فریدون منتقمی ، از اعضای برجسته رهبری حزب کار ایران (توفان) مطلع شدیم.

رفیق فریدون منتقمی نقش مهمی در جنبش دانشجویی ایران در مبارزه با رژیم پهلوی و امپریالیسم داشت. او تمام زندگی خود را وقف آرمان طبقه کارگر و مبارزه برای انقلاب و سوسیالیسم در ایران کرد.

حزب کار ایران (توفان) یکی از اعضای

وفادار و متعهد رهبری خود را از دست داده است.

ما این ضایعه را به کمیته مرکزی حزب کار

ایران (توفان)، همزمانش، شریک زندگی،

دختر ، و اعضای خانواده اش صمیمانه تسلیت می گوئیم.

حزب کار ترکیه

پیام های همبستگی احزاب برادر به مناسبت درگذشت رفیق فریدون منتقمی، عضو رهبری حزب کار ایران (توفان)



رفقای احزاب مارکسیست لنینیست متشکل در کنفرانس بین المللی هر یک پیام های همدردی به مناسبت درگذشت رفیق فریدون منتقمی به دفتر حزب ارسال داشتند که ما به تدریج آنها را در ارگان مرکزی منتشر می کنیم. در زیر به بخشی از پیام های رسیده توجه فرمائید!

Communist Platform, Italy

رفقای عزیز

ابراز تاسف عمیق ما را برای از دست دادن رفیق فریدون منتقمی بپذیرید.

مرگ رفیق فریدون ضایعه بزرگی نه تنها برای حزب شما، بلکه برای جنبش بین المللی کمونیستی است.

الگوی درخشان زندگی مبارزاتی و کار رفیق فریدون منتقمی در قلب همه مبارزان راه طبقه کارگر و مردم ستمدیده باقی خواهد ماند.

لطفا تسلیت ما را به خانواده رفیق فریدون برسانید.

با احساسات بین المللی،

پلاتفرم کمونیستی (ایتالیا)

Revolutionary Communist party of Volta

رفقای عزیز ،

ما از اطلاعیه شما از فقدان رفیق فریدون منتقمی از اعضای برجسته رهبری حزب کار ایران (توفان) مطلع شدیم.

ما تسلیت صمیمانه خود را به خانواده وی و همه اعضا و دوستان حزب کار ایران (توفان)

دست امپریالیسم ، صهیونیسم و متحدان تروریستشان از ایران کوتاه باد !

آلمان - Arbeit Zukunft

<https://www.arbeit-zukunft.de/2024/05/27/trauer-um-ge-nosse-fereidun-montaghem>

Marxist- Leninist Communist Party of Ecuador

رفقای حزب کا ایران (توفان) ،

از درگذشت تاسف بار رفیق فریدون منتقمی، از اعضای رهبری حزب کار ایران (توفان)، مطلع شدیم. فقدان یک کمونیست مارکسیست لنینیست با ویژگی های رفیق فریدون همیشه کمبود ایجاد می کند، اما در عین حال، او و فعالیتش سرمشقی برای مبارزان حزب، برای کارگران، جوانان و مردم ایران است. بدرکاشته شده توسط او در صدها کمونیست که اصول انقلابی را بر افراشته نگه خواهند داشت به بار خواهد نشست.

ما از طرف مبارزان حزب مارکسیست - لنینیست کمونیست اکوادور اظهار تاسف و همچنین همبستگی خود را با رفقای حزب کار ایران (توفان) و نزدیکان رفیق فریدون منتقمی ابراز می‌داریم.

دبیرخانه کمیته مرکزی

حزب کمونیست مارکسیست-لنینیست اکوادور

ماه مه ۲۰۲۴*



به هیات نمایندگان به دهمین

کنگره حزب کمونیست

کارگران فرانسه، FOCF

رفقای گرامی

حزب کار ایران (توفان) به مناسبت برگزاری دهمین کنگره حزب برادر، همبستگی خود را با حزب کمونیست کارگران فرانسه اعلام

میدارد. برگزاری کنگره یک حزب کمونیست مارکسیست لنینیست رویدادی مهم در زندگی حزب است. ما به همه مبارزان حزب برادرمان تبریک می گوئیم و برای آنها در کار کنگره دهم آرزوی موفقیت داریم.

رفقا

کنگره شما در زمانی برگزار می شود که نظام سرمایه داری-امپریالیستی جهانی در بحران های عمیق تری فرو رفته و تضاد بین کار و سرمایه، بین مردم و امپریالیسم و بین خود کشورهای امپریالیستی تشدید شده است. طبقه کارگر و مردم هر کشور، به ویژه کشورهای تحت سلطه، بار بحران را به دوش می کشند. نظام سرمایه داری جهانی به جنگ و به چند مرکز تنش نیاز دارد. نیروهای فاشیست برای سرکوب جنبش های طبقه کارگر تقویت شده اند.

در خاورمیانه، مدت ۷ ماه است که نسل کشی صهیونیست ها علیه مردم فلسطین، سلاخی بیش از ۴۰ هزار کودک، زن و مرد غزه، نابودی کل معیشت ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار فلسطینی، بمباران آن اندکی که باقی مانده است، و استفاده از گرسنگی به عنوان یک سلاح جنگی ادامه دارد. این نسل کشی بدست صهیونیست های اسرائیلی و امپریالیست های آمریکا انجام می شود و مورد حمایت اتحادیه اروپا قرار دارد. با وجود تظاهرات گسترده جهانی در حمایت از مبارزه عادلانه مردم فلسطین و علیه نسل کشی در غزه، علیرغم تقاضای قطع روابط اقتصادی و نظامی با اسرائیل، مردم اروپا از طرف دولت های «متمدن و صلح دوست» اروپا منجمله دولت «دمکراتیک» فرانسه به نمایندگی امانوئل ماکرون مخالفتی بر علیه این کشتار فاشیست به چشم ندیده اند.

در ایران، مردم ما نیز با شرایط بسیار سخت و پیچیده ای روبرو هستند. سرکوب سیاسی توده های زحمتکش توسط رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، اجرای سیاست های نئولیبرالی، تهدیدات و تجاوزات امپریالیستی-صهیونیستی و تحریم های همه جانبه اقتصادی علیه کشور ایران شرایط بسیار

پیچیده و سختی را برای کارگران و زحمتکشان ایران ایجاد کرده است.

در این شرایط بغرنج و دشوار، طبقه کارگر و مردم باید مبارزات خود را تشدید نموده، سازمان های طبقاتی خود را تقویت کرده، تحولات و وقایع را بر اساس آموزه های مارکسیستی لنینیستی تحلیل کنند. باید با مبارزه پرولتاریای جهانی ابراز همبستگی نموده و انترناسیونالیسم پرولتری را تقویت کرد. این تنها راه برای رسیدن به یک پیروزی چشمگیر در جهت استقرار سوسیالیسم است.

رفقا

حزب کمونیست کارگران فرانسه، به عنوان نیروی پیشتاز پرولتاریای فرانسه، عمیقاً درگیر مبارزه با سیاست های ارتجاعی بورژوازی فرانسه با امانوئل ماکرون بعنوان نماینده سیاسی آن است. این حزب علیه ظلم و استثمار نواستعماری کشورهای آفریقائی، علیه ۷ دهه اشغال فلسطین توسط رژیم صهیونیستی، علیه نژادپرستی و ظهور فاشیسم، و برای عدالت اجتماعی و پایان دادن به استثمار طبقه کارگر و مردم فرانسه مبارزه میکند. طبقه کارگر فرانسه تاریخ با شکوهی در مبارزه برای آزادی توده ها دارد که برپایی کمون پاریس و مبارزه برای حفظ آن درخشان ترین آنهاست. حزب ما، حزب کار ایران (توفان)، به کارگران و کمونیستهای فرانسوی برای چنین مبارزات درخشانی درود می فرستد.

حزب کار ایران (توفان) گرم ترین پیام همبستگی را برای شما ارسال می کند و مطمئن است که تصمیمات کنگره دهم باعث تقویت، گسترش و پیشرفت حزب در مبارزه برای رهایی از استثمار طبقاتی خواهد شد.

زنده باد دهمین کنگره حزب کمونیست کارگران فرانسه، PCOF!

زنده باد سوسیالیسم!

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!

حزب کار ایران (توفان)

ماه مه ۲۰۲۴



مقالات توفان الکترونیکی شماره ۲۱۵ خرداد ۱۴۰۳

را در تارنمای توفان مطالعه نمائید!

توفان الکترونیک در اول هر ماه میلادی منتشر می‌شود!

ایران جمهوری اسلامی نیست، ایران میهن ماست و باقی خواهد ماند

مروری بر مبارزات جنبش... دنباله از صفحه ۱۱

شعار زنان باید در سیاست دخالت کنند. حزب توده ایران صدها نشریه در عرصه های سیاسی، هنری، طنز، علمی، تاریخی، فلسفی و... منتشر کرد.

در این دوران بزرگترین جنبش های توده های به رهبری حزب توده ایران به وقوع پیوست و مردم با دنیای مدرن و متمدن آشنا شدند. لگدی که حزب توده ایران به رژیم سلطنت زد سرانجام به نابودی دودمان پهلوی در ایران منجر شد. حزب توده ایران تنها تشکلی در ایران بود که از حقوق زحمتکش دفاع میکرد، ماهیت امپریالیسم بریتانیا و آمریکا را به مردم ایران علیرغم خوشبینی بورژوازی ملی ایران نسبت به آنها شناساند.

حزب توده ایران نخستین تشکلی بود که بر ضد شرکت استعماری نفت انگلیس و ایران به مبارزه برخاست و خواهان اخراج آنها از ایران شد. بسیاری از کارگران خوزستان برای قطع دست امپریالیسم بریتانیا از ایران جان دادند.

این شرکت نفت که بر اساس قرارداد استعماری داری در ایران بوجود آمده بود تا آن روز مورد انتقاد هیچکدام از سیاستمداران ملی ایران نبود و هیچکدام از آنها بر ضد این شرکت استعماری مبارزهای نکرده بودند و برای آن اهمیتی قابل نبودند.

حزب توده ایران مردم ایران را با مفاهیم و مقولاتی نظیر امپریالیسم، سوسیالیسم، انترناسیونالیسم پرولتری، حق ملل در تعیین سرنوشت خویش، حزبیت، جبهه واحد، دموکراسی، مبارزه ضد فاشیستی و... آشنا ساخت و سطح آگاهی آنان را علیرغم دشمنی طبقات حاکمه ایران افزایش داد. روزنامه خوانی و کتابخوانی، رفتن به تئاتر در میان مردم رایج شد. جامعه سیاسی شد و به حرکت درآمد.

جنبش سواد آموزی و استقرار کلاسهای اکابر از دستاوردهای کمونیست های ایران از جمله حزب توده ایران است. حزب توده ایران کارگران، جوانان، زنان را در ابعاد وسیع به مبارزه اجتماعی کشاند و مارکسیسم لنینیسم را در ایران به نیروی مادی بدل کرد. نگارش تاریخ ایران بدون نقش تاریخی حزب توده ایران امکانپذیر نیست. ولی شما هرگز در قرائت تاریخ ایران که با دست طبقات حاکمه نوشته شده است به نقش تاریخی حزب توده ایران برخورد نمیکنید و طوری جلوه داده میشود که گویا این سکوت کاملاً بدیهی است.

ولی متأسفانه این حزب کمونیستی و انقلابی در مهاجرت به حلقوم ریزیونیسیم در غلطید و حیثیت خویش را بر باد داد. همدستی این حزب با رژیم جمهوری اسلامی در خدمت مطامع شوروی لکه ننگی در تاریخ این حزب باقی گذارد که تا به امروز نیز سعی می کنند با تئورسازی و لاپوشانی حقایق آنرا به فراموشخانه تاریخ بسپارند.

سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان

بعد از پذیرش نظریات ریزیونیسیتی خروشچف از جانب کمیته مرکزی حزب توده ایران و تأیید دروغهای خروشچف در مورد استالین، و پس از اینکه کمیته مرکزی حزب توده تلاش کرد به صورت حزب قانونی اعلیحضرت در ایران در آید و از سرنگونی رژیم پهلوی دست کشید. این حزب از مارکسیسم لنینیسم و از تمام سنت های انقلابی جنبش کمونیستی ایران. از سنن انقلابی سوسیال دموکراسی انقلابی ایران، حزب کمونیست ایران، تأثیرات عمیق گروه ارانی در رشد جنبش کمونیستی ایران دست کشید. در پلنوم یازدهم حزب توده ایران در ۳۰ دیماه ۱۳۴۳ این انشعاب صورت عملی پیدا کرد و کمیته مرکزی حزب توده به دنباله روی از شوروی ریزیونیسیتی به تمام گذشته انقلابی خویش خط بطلان کشید. از این تاریخ ما با دو دوره، دوره کمونیستی و انقلابی و دوره ضد کمونیستی و ارتجاعی در تاریخ حزب توده ایران روبرو هستیم.

ماهیت این حزب با انشعاب از جنبش کمونیستی و دست پروردگی از شوروی خروشچفی به یک نیروی ضد انقلابی بدل شد که سیر رویدادها صحت پیشگوییهای سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان در مورد این حزب و سرنوشت شوروی و سرنوشت ریزیونیسیم را ثابت کرد. رهبری مبارزه جبهه مارکسیستی لنینیستی به عهده رفقا قاسمی، فروتن و سغائی بود.

رفقا قاسمی و فروتن بعد از انشعاب ریزیونیسیتها، سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان را در ۲۵ تیر ۱۳۴۶ (۱۶ ژوئیه ۱۹۶۷ میلادی) بنیانگذاری کردند و پرچم مبارزه بر ضد ریزیونیسیم و کاستریسم را که به بهانه مبارزه علیه «اپورتونیسیم تاریخی حزب توده ایران» از مبارزه عمده و روز ضد ریزیونیسیتی طفره میرفت، به کف گرفتند و نسلی

کمونیست بر اساس دانش علمی مارکسیسم لنینیسم تربیت نمودند. نشریه توفان کمونیستی یکماه بعد در مرداد ماه ۱۳۴۶ منتشر شد. امسال ۵۷ سال از این تاریخ پرافتخار میگذرد. رفقای بنیانگذار توفان در میان ما نیستند، ولی تأثیری که آنها در جنبش کمونیستی ایران باقی گذاردند، علیرغم توطئه ها و خرابکاری ریزیونیسیتها و جاسوسان پنهان و آشکار آنها، علیرغم خرابکاری کاستریستها، گواریستها و ماریگلائیستها (چریکهای شهری در آمریکای لاتین-توفان)، تئوریهای ضد انقلابی «سه دنیا» و نافیان امپریالیسم و مدافعان اولترا امپریالیسم و همه دشمنان لنینیسم، بالنده و سربلند به مبارزه ضد امپریالیستی، دموکراتیک و مارکسیستی لنینیستی خود برای استقرار سوسیالیسم و دیکتاتوری پرولتاریا در ایران و تقویت انترناسیونالیسم پرولتری مبارزه می کنند.

ما امروز شاهد فروپاشی شوروی و دنیای ریزیونیسیم و همه تفکرات انحرافی انقلابی نمائی خرده بورژوازی هستیم. توفان در امروز از فراز و نشیب های فراوان عبور کرده و با آموزش و کسب تجربه مسئولانه از مبارزه و احساس مسئولیت نسبت به سرنوشت مردم ایران و جنبش کارگری هر روز بیشتر در جهت وحدت و همکاری که ۵۷ سالگی تاسیس سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان محصول این تاریخ و این مبارزه است.

تنها حزب ماست که ادامه دهنده و وارث سنتهای انقلابی جنبش کمونیستی ایران است. میراث این گذشته عبارت است از: جنبش سوسیال دموکراسی انقلابی در ایران، حزب کمونیست ایران، فعالیت گروه ۵۳ نفر و دوره نخست تاریخی فعالیت کمونیستی حزب توده ایران تا سقوطش به آغوش نیکیتا خروشچف.

حزب کار ایران (توفان) حزب تراز نوین طبقه کارگر ایران است و با پیگیری و مبارزه سرسختانه با مدعیان دروغین کمونیست که همه آنها دشمنان دیکتاتوری پرولتاریا و حزب لنینی طبقه کارگر هستند، مبارزه می کند. پرچم ما در این مبارزه شخصیت تاریخی رفیق استالین خواهد بود که به صورت مرز روشن میان ریزیونیسیتها، ضد کمونیستها و مارکسیست لنینیستها نمایان است.

استالین پرچم است و وی پرچم ماست.*

جدایی دین از دولت و آموزش یک ضرورت است

Workers of all Countries, unite!

Toufan

توفان

Central Organ of the Party
of Labour of Iran

No.288 March 2024

من از نفرت ملی منجرم

پدرم تبریزیه با مادر سمنانیم در گرگان آشنا شد و من اتفاقی در گرگان بدنیا آمدم. میتونستم هم در تبریز بدنیا بیام یا مهاباد بدنیا بیام یا اصلاً نیام. در تهران بزرگ شدم و در اصفهان کار کردم. نمیدونم چرا از آنها که نفرت ملی را تبلیغ می کنند تا آدم ها را به زور بجان هم بیاندازند نفرت دارم. من از همسرنوشتی خلقهای ایران که در فراز و نشیب این تاریخ با هم بوده و چند انقلاب و جنگ و کودتا را پشت سر گذاشته اند پشتیبانی می کنم. من دلم میلرزه وقتی در بم زلزله می آد آدرها کامیون کامیون جنس جمع می کنن و به بم برای مردم می فرستند. من گریه میگیرم وقتی یادم می آد تختی برای زلزله بوئین زهرا با حمایت عظیم مردم که بدستگاه شاهی اعتماد نداشتند در تهران پول جمع می کرد و برای مردم آذری زبان می فرستاد. من وقتی می بینم فریدون ابراهیمی، ارسن اوانسیان، کوچک شوشتری، حنیف نژاد و خیابانی، سعید سلطانیپور، پاکنژاد، فواد سلطانی را در کنار هم می دارن و درو می کنن تا خونشان درنهر آزادی ایران جاری شود از تبلیغ این همه تبلیغات نفرت ملی منجرم. یادداشت کوتاهی از فیسبوک رفیق فریدون منتقمی در پاسخ به ناسیونال شونیست های تجزیه طلب)*

مروری بر مبارزات جنبش کمونیستی و ضد رویزیونیستی در ایران در یک نگاه تاریخی (بخش دوم / پایان)

رفقای جوانی در تماس با حزب متمرکز شدن بر تاریخچه جنبش کمونیستی و ضد رویزیونیستی ایران را خواستار شدند و بر ضرورت بیدار کردن نسل جدید که اساساً اطلاع کافی و صحیحی از گذشته جنبش کمونیستی ندارد و بیشتر در عرصه مجازی سرگردان است، تاکید نمودند. این رفقا بررسی گذشته جنبش کمونیستی را در یک نگاه تاریخی و اینکه حزب کارایران (توفان) بعنوان یکی از احزاب قدیمی و ریشه دار مارکسیست لنینیست چگونه به این مسئله می پردازد را ضرورت امروز نسل چپ جوان ایران شرح دادند. با توجه به توصیه این رفقا توفان در چند شماره مرور مختصری دارد بر این تاریخ با انتشار بخش دوم، به این مطلب پایان می دهیم.

نگاهی به حزب توده ایران از آغاز پیدایش و نقشش در عرصه سیاسی ایران

حزب توده ایران در ۱۰ مهر ۱۳۲۰ بعد از تبعید رضاخان و تضعیف ارتجاع حاکم در ایران و مبتنی بر موفقیت های دولت سوسیالیستی شوروی در جنگ جهانی دوم و نابودی فاشیسم هیتلری، تاسیس شد. تاسیس این حزب با تکیه بر سنت های سوسیال دموکراسی انقلابی، حزب کمونیست ایران، گروه ۵۳ نفری، گام بزرگی در بیداری ایرانیان و برخاستن مردم از خواب قرون وسطائی بود. در اثر فعالیت حزب توده ایران موجی میلیونی و توده های از مردم به میدان آمدند که با سیاست بطور کلی و حقوق دمکراتیک آشنا شدند. سیاست به زندگی مردم تبدیل شد و از چنگ رجال سیاسی بدر آمد. در این دوران بود که توده ها به نیروی خود و تاثیر فعالیت خویش پی بردند. سیاست از خانه های رجال سیاسی سنتی ایران به عرصه خیابانها و میدانها و کارخانه ها و ورزشگاهها کشیده شد. کارگران، دهقانان، زنان، جوانان و روشنفکران ایران با دنیای نوینی آشنا شدند که در اثر اختناق قرون گذشته به آن دسترسی نداشتند. جامعه ایران در اثر فعالیت های حزب توده ایران تکان خورد، تکانی آتش فشانی که نتایج این تکان تا به امروز که ما در اینجا گرد آمده ایم احساس می شود. نقش تاریخی و اجتماعی حزب توده ایران را باید در این متن و در این مسیر مورد ارزیابی علمی قرار داد و نه بر اساس صحبت های درگوشی و کینه توزی ضربه خورده گان غنی و اطافهای فکری سازندگی افکار عمومی. حزب توده در اثر از جان گذشته گان اعضایش، فعالیت های روشنگرانه و انقلابی، فرهنگ و هنر ایران، ادبیات ایران، موسیقی ایران و... را متحول ساخت. به شمه ای از این فعالیت ها نظری افکنیم:

تشکیل شورای مرکزی اتحادیه کارگران ایران در اسفندماه ۱۳۲۰.

تشکیل نخستین سازمان جوان کشور (سازمان جوانان توده) در فروردینماه ۱۳۲۲.

تشکیل نخستین اتحادیه دهقانی در کشور در خردادماه ۱۳۲۲.

تشکیل "تشکلات دموکراتیک زنان ایران" در تیرماه ۱۳۲۲.

تشکیل شورای متحده مرکزی کارگران و زحمتکشان کشور در ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۲۳.

تشکیل «جبهه آزادی» در تابستان ۱۳۲۳ با شرکت روزنامه نگاران و مدیران نشریات

مترقی برای دفاع از آزادی افکار و بر ضد خطر بازگشت استبداد در ایران.

مبارزه برای به رسمیت شناختن حقوق کارگران و تصویب قانون کار.

مبارزه برای اصلاحات ارضی به نفع دهقانان.

مبارزه برای کسب حق انتخابات برای زنان ایران با ... ادامه در صفحه ۱۰

سخنی با خوانندگان نشریه توفان

نشریه ای که در دست دارید، زبان مارکسیست - لنینیست های ایران است. «توفان»، نشریه «حزب کار ایران»، حزب طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هر چه رساتر شدن به یاری همه کمونیست های صدیق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی برسانید، زیرا ما تنها به اتکاء بر نیروی خود پابرجاییم و به این مساعدت ها، هر چند هم جزئی باشند، نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید.

P.O. Box 1138

D64526 Mörfelden-Walldorf

E-Mail: toufan@toufan.org

Internet: www.toufan.org

Internet: www.toufan.de

Postbank Hamburg

BIC: PBNKDEFFXXX

Bank Account No.: 2573 3026 00

IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00

حقی به عنوان حق اشغال وجود ندارد. اسرائیل رژیم صهیونیستی، کودک کش، جنایتکار و اشغالگر است